

## در پس توافقات هسته ای: اوج گیری دعوای باندها و جناحهای حکومت اسلامی

علی جوادی

صفحه ۲

## مقدمه ای بر سازماندهی حزبی در ایران (قسمت دوم)

اصغر کریمی

صفحه ۳

## صدای انسانیت از عراق پسا نظم نوینی

نقاط مختلف و با خواستههای پیشروی در جریان بوده است. تا همین چند ماه پیش تصور اینکه در عراق لت و پار شده مردم بیرون بریزند و با شعارهای پیشرو مدرن دست به تظاهرات بزنند به دلایل متعددی قابل تصور نبود. اولاً شرایط جنگ و بمب و فضای ترور و کشتار چنین

صدایشان را بلند کنند و به دستجات حاکم نه بگویند. در هفته های اخیر از جمله در شهرهای بغداد، بصره، دیوانیه، کوفه، شطره، کربلا، نجف، بعقوبه، عماره، سماوه، ناصریه، حله، کوت، خائقین و بابل و چندین شهر دیگر تجمع و تظاهرات و سخنرانی صورت گرفته است. اعتراضات فقط به صورت تظاهرات خیابانی نیست. اعتصابات متعدد کارگری نیز در

### کاظم نیکخواه

خیزش مردم عراق در هفته های اخیر بحق بازتاب گسترده ای در سطح جهان پیدا کرده است. این اعتراضات و تجمعات اکنون حالت منظمی به خود گرفته و هر هفته روزهای جمعه در شهرهای متعددی مردم صدها هزار نفره به خیابان می آیند و خطرات جلی ای را به جان میخرند تا

صفحه ۶



## یادداشت های هفته

عمید تقوایی

### پرونده سعید مرتضوی پرونده جمهوری اسلامی است!

### رشد صعودی پولهایی که غیب میشود!

### در قتل همجنسگرایان جمهوری اسلامی پیشکسوت داعش است!

صفحه ۵

### یونان:

### "بهترین روزها" در گرو چیست؟

حمید تقوایی

صفحه ۸

## هجوم پناهجویان و سیاست دولتهای اروپایی

بهروز مهرآبادی

صفحه ۷



### هم اکنون جمعه ۲۸ آگوست بغداد نه دینی، نه قومی، مدنیت،

### سکولاریسم

عبدل گلپریان

صفحه ۸

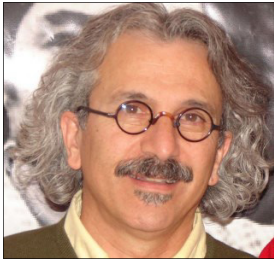
### طرح "یارانه هوشمند": هم شکست اقتصادی و هم سیاسی

کاظم نیکخواه

صفحه ۶

## در پس توافقات هسته ای:

# اوج گیری دعوی باندها و جناحهای حکومت اسلامی



### علی جوادی

قابل انتظار بود. گفته بودیم. یکی از پی آمدهای توافق هسته ای تشدید جدال جناحهای رژیم اسلامی است. صحبت های شیخ حسن روحانی در مورد نقش و جایگاه شورای نگهبان مبنی بر اینکه این نهاد کیک زده نقشی مانند "چشم" دارد اما تعیین صلاحیتها و اجرای انتخابات مجلس اسلامی و مجلس خبرگان رهبری حکومت اسلامی به عهده دولت و مشخصا وزارت کشور، دستان اجرایی رژیم، است، با موجی از واکنش های تند نیروهای ریز و درشت جناح راست مواجه شده است. اخیرا اکر فتوحی فرمانده سپاه یزد (معلوم نیست ایشان کجای پیاز است!) هم به صف این جماعت پیوسته و اعلام کرده است که "اجازه نمی دهیم علیه شورای نگهبان حرفی زده شود." همچنین محمد رضا تویسرکانی، نماینده خامنه ای در سازمان بسیج خطاب به روحانی گفته است: "مسئولین باید از بیان سخنان دو پهلو به طور جلی خودداری کنند." پیش از آن نیز جعفری فرمانده کل سپاه پاسداران گفته بود: "آینگونه گویش ها که در آن تضعیف ارکان مؤثر انقلاب مثل شورای نگهبان را در پی دارد، خدشه به وحدت ملی و شعار برگزیده ی سال یعنی همدلی و همزیانی است." و سپس صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه حکومت اسلامی وارد میدان شد و در برابر صحبت های روحانی موضع گیری کرده است. اما باند مقابل هم کوتاه نیامده است، وزیر کشور روحانی اعلام کرد که دولت زیر بار "رد سلیقه ای صلاحیتها" شورای نگهبان نمی رود. این کشمکش اکنون به یکی دیگر از تناقضات درونی رژیم اسلامی اضافه شده است. به چند نکته در این چهارچوب باید اشاره کرد:

### جایگاه و معنای دعوا:

دعوا بر سر نقش و جایگاه شورای نگهبان قدمتی دیرینه در جمهوری اسلامی دارد، اما ابعاد

کنونی این کشمکش به موقعیت کنونی جناحهای رژیم اسلامی و مشخصا مساله تعیین سهم جایگاه و وزن هر جناح در پس توافقات هسته ای رژیم اسلامی و کشورهای ۱+۵ برمیگردد. این دعوا را جناح روحانی - رفسنجانی آغاز کرده است. مساله شان بهیچوجه اعتراض به نفس وجود چنین ارگان سوپر ارتجاعی که هر کاندید صد بار امتحان پس به حکومت اسلامی را از فیلتر جدیدی رد میکند، نیست. همانطور که گفته اند به "رد سلیقه ای صلاحیت" کاندیداها توسط شورای نگهبان و فیلتر کردن نیروهای جناح خودشان معترضند. انسان آزادیخواه، برابری طلب، کمونیست و اپوزیسیون نه در این نظام حق زندگی دارد و نه متعاقبا حق کاندیدا شدن. مضحکه انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری هر دو در پیش است و از هم اکنون دارند برای یکدیگر خط و نشان میکشند. جناح روحانی خواهان سهم بیشتری از قدرت در این ارگانهای حاکمیت اسلامی است. خود را در فردای توافقات هسته ای در موقعیتی می بینند که بتوانند این جدال را به جناح مقابل تحمیل کنند و قدرت مانور این جناح را در "رد صلاحیتها" جناح خود محدود کنند. از طرف دیگر جناح مقابل هم دقیقا در تلاش برای جلوگیری از سهم خواهی بیشتر این جناح است. سهم خواهی از مجلس شورای اسلامی و شورای خبرگان رهبری در محور این جدال در حال حاضر است. اما جدال کنونی به این دو مساله محدود نیست. موقعیت و جایگاه آتی رفسنجانی نیز در حال رقم خوردن است.

دعوا بر سر مجلس شورای اسلامی انتقالاتی که اکنون بر محور روحانی و رفسنجانی شکل گرفته است و اصلاح طلبان حکومتی را نیز تماما در پشت سر خود دارد، نیازمند افزایش سهم خود در مجلس اسلامی اند. از این رو تعرض کرده اند. علیرغم اینکه تماما آگاهند که خامنه ای و کل جناح راست را در

مقابل خود دارند. جدال بر سر این است که کدام جناح اکثریت این مجمع اوباش اسلامی را از آن خود خواهد کرد. جناح روحانی بر این باور است که اگر نیروهای رد صلاحیت نشوند، اگر تقلب و جعل رای به نفع جناح مقابل صورت نگیرد، میتوانند به این آرزوی خود دست یابند. به دنبال تکرار سناریوی دوم خرداد هستند. از این رو محور تعرض خود را بر روی شورای نگهبان متمرکز کرده اند. تیغ این جماعت نباید بر پیکر خودی ترین خودی های رژیم اسلامی کشیده شود. از طرف دیگر رفسنجانی نیز تائید صلاحیت احمدی نژاد را در بوق کرده است. صحبتهاش مبنی بر اینکه کسانی که صلاحیت احمدی نژاد را تائید کردند، باید پاسخگو باشند، دقیقا شورای نگهبان و شخص خامنه ای را نشانه گرفته است. از طرف دیگر جناح راست هم میدانند که اگر "فیلتر" نکنند اکثریت مجلس را از دست خواهند داد. از این رو جناح راست با تمام قوا وارد میدان شده است. از کیهان شریعتمداری گرفته تا امامان جمعه و سران سپاه و لائهای نوحه خوان، همگی به صف شده اند. این دعوا برای هر دو جناح سرنوشت ساز و تعیین کننده است و در ماههای آتی تا پیش از زمان برگزاری مضحکه انتخاباتی مجلس شورای اسلامی این دعوا ادامه خواهد داشت و طرفین با شدت و حدت تما بر سر و کله یکدیگر خواهند کوبید. خط و نشان خواهند کشید و تهدید خواهند کرد. آیا میتوانند به راه حل و فورمولی برای پایان دادن به این مساله دست پیدا کنند؟ هر چه هست باید راه حلی در "بالا" پیدا کنند. و بخش عمده مشکل هم همین جا است. چرا که زمین را "پائین" زیر پایشان داغ کرده است.

### مجلس خبرگان رهبری

رسالت این کانون دیگر ارتجاع اسلامی تعیین رهبری آتی حکومت اسلامی است. زمزمه ها از هم اکنون آغاز شده است. حتی وفادارترین

کرده است که "نمیتوانند هر چه خواستند بگویند"، باید دست و پایشان را جمع کنند. در مقابل جناح راست و سردمدارانش تاکید میکنند که رابطه با آمریکا "تک نوبتی" و "تاکتیکی" بوده است. خط و نشان میکشند که سپاه اجازه نمیدهد. اما روحانی و جناح حاضر نیستند این نقطه قوت خود را، برای حفظ نظام، از دست دهند. از این رو تصویری کاملا استراتژیک از این "نرمش قهرمانانه" خامنه ای دارند. خواهان نرمالیزه کردن روابط خود با غرب و مشخصا آمریکا هستند. مصاحبه های رفسنجانی مبنی بر ممکن بودن باز شدن سفارت آمریکا در ایران و گفتگوهای پی در پی با رسانه های غربی در همین راستا است. این جناح به دنبال یک چرخش استراتژیک در سیاستهای رژیم اسلامی است. سفرای متعدد کشورهای اروپایی به ایران نیروی است که مستقیم و غیر مستقیم باید به تقویت موقعیت این جناح بیفزاید. اما نه حفظ رابطه با غرب و آمریکا در همین محدوده ممکن است و نه ی

ک چرخش استراتژیک در رژیم اسلامی بدون تکانه های شدید و درهم ریختگی بیشتر رژیم ممکن است. واقعیت این است که جمهوری اسلامی در چنبره ای از تناقضات خرد کننده دست و پا میزنند. راه خلاصی هم ندارد. نه جناح روحانی - رفسنجانی راه حلی برای معضلات کشنده رژیم اسلامی دارد و نه جناح راست و خامنه ای. هر درجه نزدیکی به غرب و چرخش سیاسی رژیم به سوی غرب، عملا زیر پای رژیم اسلامی را در حلقه های بعدی خالی میکند. از طرف دیگر هر درجه تاکید بر سیاستهای تاکتونی رژیم اسلامی تنها منجر به تعمیق تناقضات خرد کننده اش میشود. موقعیت از هر سو برای یک تعرض همه جانبه به رژیم اسلامی فراهم است.

### رابطه با آمریکا

رژیم اسلامی در پس شکست سیاستهای استراتژیک منطقه ای اش ناچار شد تن به سر کشیدن جام زهر مذاکره با آمریکا دهد. خامنه ای در راس حکومت اسلامی این سیاست را "نرمش قهرمانانه" توصیف کرد. توافق خود را با مذاکره در سطح وزرای خارجه اعلام کرد. اکنون نیز در حین این دست و آن دست کردن ناچار است که این جام زهر را تا پایان سر بکشد. اما خود این مساله از هم اکنون به یک محور دعوای رژیم تبدیل شده است. روحانی خطاب به جناح رقیب و سرداران سپاه اعلام

# مقدمه ای بر سازماندهی حزبی در ایران

(قسمت دوم)

## اصغر کریمی

در قسمت اول این نوشته مروری داشتیم بر ضرورت حزب و تشکل حزبی و تلاش دولت های سرکوبگر و رسانه های دست راستی برای جلوگیری از متشکل شدن مردم در یک حزب سیاسی چپ. قول داده بودم که قسمت دوم را به جنبه های مشخص سازماندهی بپردازم اما هنوز نکات مهمی در سطح عمومی و سیاسی باقی مانده است که بدون پرداختن به آنها، وارد جنبه های تشکیلاتی شدن زودرس است. بنابراین در این قسمت نیز به جنبه های عمومی بحث میپردازم و قدم های مشخص در زمینه سازماندهی حزبی را به قسمت بعد موکول میکنم.

## فعالین اجتماعی جوان:

در قسمت اول بحث گفتم که با آمدن مدیای اجتماعی ابعاد تلاش برای متشکل شدن بسیار وسیع تر شده و هزاران فعال سیاسی، و مشخصا از نسل جوان، پا به میدان مبارزه، متحد کردن و متشکل شدن گذاشته اند و خلاقیت های تازه ای شروع به شکفتن کرده است. نسلی که هر نفرش مانند یک سازمان عمل میکند. مینویسد و تبلیغ میکنند، به فعالیت اجتماعی علاقمند است، سازمان میدهد، جواب این و آن را میدهد، کمپین سازمان میدهد، همفکرانش را جمع میکند و بر فضای سیاسی تاثیر میگذارد. اینها نقاط قوت این نسل است. نسل قدیم مدیای اجتماعی نداشت. ابزاری برای فعالیت فردی نداشت. حتی امکان نوشتن و تکثیر یک اطلاعیه ساده را نداشت. باید به گروهی میپیوست تا فعالیتی را شروع کند. در نتیجه خلاقیت های فردی کمتر شکل میگرفت،

## اما چرا فعالین جوان به حزبیت بهای کمی میدهند؟

قطعا یکی از دلایل احزاب سنتی چپ موجود هستند. صرفنظر از مسائل ایدئولوژیک و مواضع سیاسی و میزان نفوذ و حضور سیاسی و عرض و طول احزاب و سازمان های موجود، این احزاب بیشتر محافظی

فرد کمتر صاحب ایده بود و اساسا از گروه و رهبری گروه تغذیه فکری میشد. در کشوری مثل ایران خفقان هم مزید بر علت میشد. به یمن مدیای اجتماعی برقراری خفقان هم حتی در اشکال سابق عملی نیست. اما فعالین نسل جدید هنوز توجهشان به اهمیت یک حزب سیاسی و برنامه و پلاتفرمی که اهداف و مطالبات مردم را توضیح بدهد جلب نشده است و این یک نقطه ضعف مهم است. منظور من در این بحث مشخصا فعالین چپ و کمونیست است. بعدا در مورد چپ و کمونیست منظورم را بیشتر توضیح میدهم. اگر این نیرو به حزبیت روی بیاورد، حزب سیاسی عظیمی، در ابعادی که تاکنون تاریخ سراغ نداشته است، شکل خواهد گرفت. تجربه سیاسی خود این نسل اگر جمع بندی شود و نگاهی به خیزش ها و انقلابات که در سه چهار سال اخیر در کشورهای تونس و مصر و لیبی و سوریه و عراق و همینطور کشورهای غربی اتفاق افتاد، به حد کافی حیاتی بودن یک حزب سیاسی چپ و کمونیست را نشان میدهد. این تحولات، هم پتانسیل عظیم این نسل را نشان میدهد و هم نقطه ضعف کشنده این تحولات یعنی فقدان یک پلاتفرم و یک حزب سیاسی که مردم و خواست هایشان را نمایندگی کند.

فرد کمتری و کمتر سیاسی هستند که دخالت در عرصه های مختلف مبارزه را کار خود نمیدانند، به دنیای پیرامون خود بیبربط هستند و ساختار تشکیلاتی آنها نیز بر اساس مدل های قدیمی، و در بهترین حالت بر اساس دوره قبل از مدیای اجتماعی، بنا شده است و عملا امکان دخالت چندانی به اعضا و شکوفایی خلاقیت های آنها نمیدهد. حزب کمونیست کارگری در مقابل این نگرش ها و در مقابل «کمونیسم» موجود شکل گرفت. اهدافش، برنامه اش، انسانگرایی اش، دخالتهای آزادیخواهی اش، دخالتهای اش، همه اینها در تمایز با احزاب سنتی و احزاب پرو روس و چین و غیره است، مبانی سازماندهی اش را نیز بر پراتیک متفاوتی گذاشته است که در قسمت بعدی این بحث به آن خواهیم پرداخت. اما رسانه های رسمی تصویری از کمونیسم ما به مردم نمیدهند، برعکس بطور روزمره با دادن تصویر از همان کمونیسم جعلی، مشغول سپیاشی علیه کمونیسم نوع ما هستند و در نتیجه یک جنبه مهم از تلاش ما این است که حزب و کمونیسم مان را بیشتر در دسترس مخصوصا اکتیویست های جوان، که آشنایی شان با حزب و کمونیسم ما از قدیمی ها هم بسیار کمتر است، قرار بدهیم. اما دلیل مهم دیگر «جوان بودن» نسل جوان است. منظورم از جوان بودن این است که سالهای زیادی نیگذرد که این نسل در ابعادی باور نکردنی به فعالیت گسترده اجتماعی و سیاسی روی آورده است. و الحق که در همین دوره کوتاه چنان نیرویی وارد صحنه سیاسی کرده که فضای فعالیت و نحوه فعالیت را تماما دگرگون کرده است. کافی است به نحوه شکل گیری انقلاب



مصر و نقش و تاثیر این نیرو یا سال ۸۸ در ایران و جنبش اشغال در غرب نگاهی بیندازیم. اتحادیه های کارگری، سازمان های مدافع حقوق زن و انواع نهادهای قدیمی دیگر و همینطور احزاب چپ در این تحولات نقش حاشیه ای داشتند و نسل جوان بازیگر اصلی صحنه بود. اتفاقاتی که همین الان در عراق میگذرد نیز نمونه دیگری از حضور و توانایی خارق العاده این نسل است.

متشکل نبودن مردم در یک حزب سیاسی با برنامه (یا حداقل یک پلاتفرم از مطالبات اساسی و فوری مردم) باعث شکست انقلابات شد. مردم به وضع موجود نه میگویند و خواهان تغییر میشوند. اما در غیاب اهدافی روشن که جامعه یا بخشی از جامعه حول آن متحد شود، جهت را گم نکند و با عقب نشینی های مقطعی دولت ها و رفم هایشان دچار تشکست نشود، شکست این انقلابات کار دشواری نیست. و همه این ضعفها را یک حزب سیاسی میتواند رفع کند که اتفاقا اتوریته و هژمونی اش را بخش فعال جامعه و از جمله اکتیویست های جوان پذیرفته باشند. نمیتوان با نیروی پراکنده بدون یک رهبری متمرکز و بدون برنامه و اهداف روشن و تعریف شده که بخشی از جامعه را حول خود جمع کرده باشد به پیروزی رسید. بویژه که طرف مقابل، از دولت تا احزاب ارتجاعی و دست راستی حاضر در صحنه سازمان یا حزب و اهداف روشنی دارند و نهایتا آنها هستند که کنترل اوضاع را بدست میگیرند. دولت ها بدون استثنا، صرفنظر از اینکه مثل کشورهای غربی از احزاب سیاسی باشند یا مثل ایران و عراق و افغانستان بدون تحزب قدرت را در دست گرفته باشند،

## رهبری، برنامه و کسب قدرت سیاسی:

اینها سه فاکتور کلیدی در هر انقلاب و مبارزه سیاسی است. کافی نیست دولت یا جناح هایی از دولت یا احزاب بورژوا، صدای اعتراض ما را بشنوند تا به فکر بهبود وضع موجود باشند. باید آنها را از قدرت بیندازیم و قدرت سیاسی را بگیریم و برنامه خود را پیاده کنیم. مردم مصر و تونس به

## مقدمه ای بر سازماندهی حزبی ...

از صفحه ۳

میدان آمدند اما فاقد حتی یک خواست روشن بعنوان مثال سکولاریسم و جدایی مذهب از دولت، برابری کامل زن و مرد، لغو مجازات اعدام، آزادی های بی قید و شرط سیاسی و یا مطالبات رفاهی اکثریت مردم بودند و رهبری متمرکز برای پیشبرد این خواست ها نداشتند در نتیجه آماده ترین نیروی حاضر در صحنه یعنی اخوان المسلمین قدرت را گرفت. حزب سیاسی چپی نبود که در عرصه های مختلف مبارزه پلاتفرم روشنی مقابل مردم بگذارد و جنبش ها و حرکت های رادیکال و مستمری حول خواست های مهم مردم شکل بگیرد. فقدان حزب در واقع بیش از هر چیز خودش را در غیاب مبارزات و جنبشهای اجتماعی بر سر مسائل کلیدی آن جامعه نشان میداد. بدنبال سر کار آمدن اخوان المسلمین، ممنتوم انقلاب نخواستید و اینبار ۳۳ میلیون نفر علیه حکومت اخوان المسلمین به میدان آمدند. اما باز هم بخاطر همان ضعف کمر انقلاب شکست و هم حکومتی های مبارک قدرت را گرفتند و بساط سابق را دایر کردند. گروهها و محافل بسیار زیادی در میدان تحریر و در مدیای اجتماعی نقش ایفا کردند و شروع شروع جنبش علیه رژیم مبارک اساسا به فراخوان و همت آنها بود. اما تا زمانی که یک رهبری متمرکز با برنامه و نقشه عمل روشن وجود نداشته باشد، این گروهها و محافل توان رهبری مردم را نخواهد داشت. رهبری عنصر کلیدی در هر انقلاب است اما رهبری، منظور رهبری چپ است، با برنامه و پلاتفرم روشن و تشخیص درست مساله محوری مبارزه طبقاتی در هر مقطع و طرح پاسخ رادیکال و روشن به آن مساله شکل میگیرد. یک رهبری با برنامه و اهداف روشن که بخشی از مردم به تشخیص سیاسی آن اعتماد کنند و دور آن جمع

شوند. یک رهبری که نماینده قاطع "نه" مردم به وضع موجود میشود، مبارزات مردم را از پیچ و خم های مختلف با موفقیت رد میکند و صلاحیت خود را در گرگهای سیاسی به مردم نشان میدهد. اینها همه سوالات مهم و اساسی هستند که بر ضرورت یک رهبری با برنامه روشن تاکید میکند. و اگر اکتیویست های جوان به این ضرورت پی ببرند و به اهمیت تحزب و برنامه و پلاتفرم داشتن واقف شوند آنگاه حزب خود را خواهند ساخت و یا به حزبی که اهداف آنها را نمایندگی میکند خواهند پیوست و در چنین صورتی با توجه به نقش تاریخساز آنها که به آن اشاره کردم، بزرگترین و موثرترین حزب سیاسی را شکل خواهند داد. چنین حزبی میتواند ضامن موفقیت در مبارزه و انقلاب، رهبری کردن آن و کسب قدرت سیاسی و موفقیت در اجرای برنامه خود باشد. اما اهمیت حزب فقط برای لحظه انقلاب و پیاده کردن برنامه بعد از کسب قدرت نیست. برای تقویت مبارزه همین امروز مردم، جمع کردن نیرو، تاثیر بر عرصه های مختلف مبارزات جاری، پروراندن کادرهای مبلغ و سازمانده و غلبه بر تاکتیک ها و توطئه های سر راه نیز وجود یک حزب سیاسی حیاتی است. حزب کمونیست کارگری ملزومات چنین حزبی را دارد و به اهمیت این نیرو واقف است. همچنین واقف است که باید سوخت و ساز درونی خود را با تحولات عصر جدید و نیازهای این دوره مبارزه طبقاتی وفق بدهد و تغییرات لازم را در خود ایجاد کند. سوخت و سازی که امکان بیشترین مداخله را نه تنها برای اعضای جوانی که به حزب میپیوندند بلکه همچنین برای هر دوستدار حزب و حتی طیف وسیع فعالینی که حزبی نیستند اما نقش مهمی در عرصه ها و جنبش های مختلف ایفا میکنند، ایجاد کند.

## چپ و کمونیست از نظر ما کیست؟ چه مشخصاتی دارد؟

یک مساله مهم تصویری است که مدیای رسمی و بلندگوهای طبقات حاکم از کمونیسم به جامعه داده است. و فعالین جوان اکثرا هنوز کمونیسم واقعی، کمونیسم کارگری و مارکس را نشناخته اند. کمونیسم دیگری در دسترس آنها قرار گرفته است. کافی است به متونی مانند «تفاوت های ما»، «یک دنیای بهتر» و یا «دمکراسی، تعابیر و واقعیات» دسترسی پیدا کنند تا دیدشان نسبت به کمونیسم عوض شود. ما در ادبیاتمان تصویری غیر ایدئولوژیک از کمونیسم داده ایم که لازم است چند کلمه ای در این مورد صحبت کنم.

«من فکر میکنم ما شانس داریم برای اینکه اکثریت عظیم مردم در جهان کمونیست هستند و خودشان نمیدانند. من فکر میکنم زیپ پوست هر انسان منصفی را باز کنید یک کمونیست بلشویک را میبینید که میخواهد از آن بیرون بیاید. در وجود تک تک ما سوسیالیستهای پرحرارتی نهفته است که میخواهد از این قالب بیرون بزند. از قالبهایی که هیچکدام از آنها از بدو تولد همراه ما نبوده اند. قالب نژادی، قالب مذهبی، قالب ملی، قالب قومی، قالب سنی، قالب جنسیتی، هیچکدام اینها هویت ما را در بدو تولدمان شکل نداده اند. من معتقدم آن سوسیالیسم درونی ما، آن آدم سوسیالیستی که داخل پوست جلد ماست زیر بار هویتهایی که در طول زندگی برای تراشیده میشود، و هست در فضا، و شما میبینید، و هر روزه آنها را حس میکنید، مدفون است. یکی از کارهایی که یک حزب کمونیستی باید بکند این است که این فضا را کنار بزند و آن آدم سوسیالیستی که در وجود اکثریت ما، لاقط در وجود آن بخشی از ما که آدمهای منصفی هستیم، را بیرون بیاورد.» این گوشه ای از

تصویر ما از کمونیسم است که منصور حکمت در سخنرانی اش در استکهلم در سال ۲۰۰۱ مطرح کرد. ما درک ایدئولوژیک از کمونیسم نداریم. کمونیست بودن از نظر ما مقدمات دانستن تئوری های کمونیستی و تاریخ احزاب کمونیستی نیست یا اینکه چه به سر شوروی و چین آمده است. از نظر ما کمونیست کسی است که این سرنوشت را قبول ندارد و علیه آن مبارزه میکند، آزادی و عدالت میخواهد، حاکمیت یک اقلیت استثمارگر را نمی پذیرد و خوشبختی همه را میخواهد. و این شامل بخش زیادی از مردم میشود. فعالین اجتماعی از نظر پایگاه طبقاتی شان نیز اساسا متعلق به طبقه کارگرند. جوانان کارگرند، دانشجویان و فارغ التحصیلانی هستند که از نظر اقتصادی در رده کارگران هستند و به این معنی بخش اعظم فعالین اجتماعی چپ هستند و در دیدگاه ما به اردوی چپ تعلق دارند. خلاصه کنم فعالین نسل جوان باید این کمونیسم را بشناسند. به مسلح شدن به

اهداف و برنامه اهمیت لازم را بدهند و در این صورت به ضرورت متشکل شدن در یک حزب سیاسی که اهداف آنها را نمایندگی میکند بیشتر پی خواهند برد. تلاش ما این بوده است که این نوع کمونیسم را در دسترس این نسل قرار بدهیم، و همچنان باید حزب و کمونیسم نوع خودمان را به این نسل بشناسانیم، در عین حال سوخت و ساز و مکانیسم های فعالیت و تصمیم گیری را با شرایط کنونی انطباق بدهیم یعنی تغییرات زیادی در ساختار و نحوه فعالیت حزب ایجاد کنیم که امکان مداخله کامل هر فعالی که به حزب جذب میشود فراهم شود. هزاران فعال جوان چپ در ایران و همینطور در خارج کشور در زمینه ها و عرصه های مختلف مشغول فعالیت اند و در صورت جذب آنها به این نوع کمونیسم و درک اهمیت تحزب و برنامه، این نسل قادر خواهد شد نقش تاریخی خود را در تغییر سرنوشت یک جامعه هشتاد میلیونی ایفا کند. ادامه دارد.

### مشخصات و ساعات پخش تلویزیون

#### کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل

دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: [nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)

## یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

### پرونده سعید مرتضوی پرونده جمهوری اسلامی است!

"من فکر نمی‌کردم با این همه اسناد و مدارک که علیه سعید مرتضوی وجود دارد او تبرئه شود ... یک نفر بیاید ما را جایی بفرسند که تا دم مرگ برویم و شکنجه شویم، بچه‌ها آنجا بمیرند، بعد گزارش خلاف واقع درست کند که این‌ها بر اساس مننیت مرده‌اند، حالا تبرئه شود؟ این فاجعه بزرگی است. باید متأسف بود برای سیستم قضایی که در آن یک قاتل، یک جنایت‌کار تبرئه می‌شود." مسعود علی‌زاده یکی از شکنجه‌شدگان زندان کهریزک

نه صرف تبرئه جنایتکاری مثل مرتضوی بلکه کل سیستم قضائی جمهوری اسلامی فاجعه بزرگی است. مرتضوی سالها دادستان و قاضی در همین سیستم بود، و با کمک همین سیستم قضائی بساط شکنجه و کشتار را در کهریزک و اوین و دیگر سیاه‌چال‌های رژیم برپا کرد. سیستم قضائی جمهوری اسلامی ماشین کشتار است و امثال سعید مرتضوی دست پرورده و مظهر تمام کمال این دستگاه جنایت هستند.

کارد دسته خودش را نمی‌برد، اما جمهوری اسلامی نتوانست و نخواهد توانست پرونده این جنایت را ببندد. مردم اجازه نمی‌دهند. اگر طرح شکایات و پیگیری خانواده‌های قربانیان کهریزک نبود حتی همین نمایش نیمبند محاکمه او را هم

براه نمی‌انداختند و سعید مرتضوی همچنان به "آرائه خدمات" به رژیم متبوعش در مقام قاضی و دادیار و دادستان مشغول بود. تحت فشار مردم و افکار عمومی سعید مرتضوی را از قوه قضائیه کنار گذاشتند اما ایشان پاداش خدماتش را با انتصاب به ریاست سازمان تأمین اجتماعی دریافت کرد. دادستان سابق در راس این سازمان امکان یافت تا با اختلاس و دزدیهای نجومی پرونده جنایاتش را تکمیل کند. آنچه خوبان همه دارند ایشان به تنهایی دارد!

اما سعید مرتضوی تنها نیست، همه مقامات ریز و درشت جمهوری اسلامی از خامنه‌ای گرفته تا سرداران سپاه و امام جمعه‌ها و نمایندگان مجلس مستقیم و غیر مستقیم هم پرونده او هستند. یک علت تبرئه سعید مرتضوی علیرغم همه اسناد و مدارکی که علیه او وجود دارد ترس مقامات ریز و درشت حکومتی از لو رفتن نام خودشان است. دقیقاً به همین دلیل ادامه اعتراضات و پیگیری مردم در امر دزدیها و جنایت سعید مرتضوی نقش تعیین کننده و مهمی نه تنها در محکوم کردن وی بلکه بجالش کشیدن کل حکومت ایفا می‌کند. پرونده سعید مرتضوی پرونده جمهوری اسلامی است و تنها با بزیر کشیدن این حکومت به فرجام خواهد رسید.

## رشد صعودی پول‌هایی که غیب میشود!

حسابهای بانکی مسئولین و مقامات "گم" میشود! این را باید، در کنار میزان اعدامها در جمهوری اسلامی، در کتاب رکورد گینس به ثبت رساند!

اینطور وانمود میشود که همه این دزدیها در دوره دولتهای گذشته صورت گرفته است! دولت روحانی تلاش میکند منبع فساد را دولت احمدی نژاد معرفی کند اما چپاول و دزدی و اختلاس و ناپدید شدنهای میلیاردری در جمهوری اسلامی مزمن تر و پایدارتر از آنست که به این یا آن کابینه محدود بشود. خانه از پای بست و بران است. سرمنشا دزدی و فساد نهادهای پایه ای نظام نظیر سپاه و بسیج و بیت رهبری و دارو دسته رفسنجانی و دم و دستگاه امامان جمعه و سایر باندهای حکومتی هستند و هیات دولتها و رئیس‌جمهورها هم از میان همین جماعت تعیین میشوند. هر کابینه ای بیاید و برود بر میزان دزدی و چپاول و غارت این باندهای مافیائی تأثیری نخواهد داشت. از تغییر هیات دولت و رئیس‌جمهور دزدی دوا نمیشود، باید کل نظام تا مغز استخوان فاسد جمهوری اسلامی را بزیر کشید.

"۱۰۰ میلیارد دلار از محل واگذاری‌های انجام شده در دولت گذشته معلوم نیست کجاست!"

معاون اول روحانی این خبر تازه ای نیست. در اواخر دوره احمدی نژاد نیز سایت اصولگرای بازتاب اعلام کرده بود که "در دولتهای نهم و دهم طی دوره هفت ساله ۲۰۰ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی ایران ناپدید شده است!"

چندی قبل برخی از سایتها و تلویزیونهای اپوزیسیون میزان دزدیها و "پول گمشدن" های دولتی در جمهوری اسلامی را بطور متوسط ماهی یک میلیارد دلار برآورد کردند. اکنون معلوم میشود این یک تخمین نقصانی بوده است! وقتی خودشان اعلام میکنند که تنها از درآمدهای نفتی صد میلیارد و دویست میلیارد دلار در عرض یک دوره هشت ساله غیب میشود، متوسط کل دزدیها باید رقمی چند برابر یک میلیارد در ماه باشد! جمهوری اسلامی تنها نظامی در دنیاست که به اعتراف مقامات و آمار و ارقام اعلام شده دولتی تنها از محل درآمد نفت ماهی بیش از دو میلیارد دلار در

## در قتل همجنسگرایان جمهوری اسلامی پیشکسوت داعش است!

اعضایش حرکت میکنند اما علیرغم این میتوان بقدرت اعتراضات مردم بررسی جنایات همه دولتهای اسلامی از جمله بویژه جمهوری اسلامی در قبال دگرباشان جنسی را روی میز نهادهای بین‌المللی قرار داد. این امریست که به همت فعالین چپ و کمونیست، مدافعین حقوق دگرباشان و فعالین جنبشهای ضد مذهبی و سکولاریستی میتواند عملی بشود.

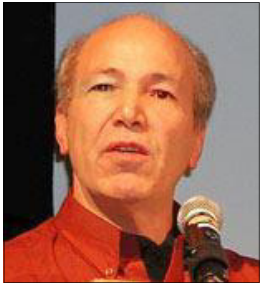
شدن ازدواج همجنسگرایان در کشورهایی نظیر آمریکا و ایرلند، و یا اعلام رفع تبعیض از دگرباشان جنسی در پلاتفرم انتخاباتی حزب د.پ. در انتخابات اخیر ترکیه، فضای تازه‌ای برای حمایت از حقوق همجنسگرا شکل گرفته است. اعتراضات توده‌ای جاری در عراق علیه نیروهای سنی و شیعه و در حمایت از سکولاریسم و جامعه مدنی خود میتواند عامل موثری در تقویت این جو ضد اسلامی از جمله در حمایت از دگرباشان جنسی باشد. روشن است که شورای امنیت از مصالح و منافع سیاسی

همجنسگرایان در همه کشورهای اسلامزده، از ترکیه و عربستان سعودی گرفته تا دولت اسلامی داعش و جمهوری اسلامی، اگر به سنگسار و اعدام محکوم نشوند در بهترین حالت نصیبی جز توهین و تحقیر و تبعیض و بیحقوقی کامل نخواهند داشت. نه تنها دولت و قوانین بلکه مقدسات و تابوها و اخلاقیات اسلامی رایج در این جوامع، که مدام و وسیعاً بوسیله دولتها و نیروهای اسلامی تبلیغ و اشاعه داده میشود، بشدت علیه دگرباشان جنسی است. امروز با تحولاتی نظیر قانونی

شورای امنیت برگزاری این جلسه، که سفیر آمریکا در سازمان ملل آنرا "تاریخی" خواند، امر بیسابقه‌ای باشد، اما برای مردم ایران این داستان تازه‌ای نیست. در جنایت علیه همجنسگرایان جمهوری اسلامی پیشکسوت داعش است و چنین اجلاسی، اگر واقعا حقوق مردم و نه مصالح سیاسی اعضایش را مد نظر میداشت، میبایست مدتها قبل از ظهور داعش، در بررسی جنایات جمهوری اسلامی علیه دگرباشان جنسی برگزار میشد. اسلام دگرباشان جنسی را مستحق مرگ میدانند و

هفته گذشته شورای امنیت سازمان ملل برای اولین بار در یک جلسه غیر علنی مساله دگرباشان جنسی را که در سوریه عراق مورد حمله داعش قرار می‌گیرند مورد بررسی قرار داد. به گزارش خبرگزاری فرانسه یک همجنسگرای سوریه‌ای در این جلسه شهادت داد که همجنسگرایان در مناطق اشغالی داعش سنگسار و اعدام میشوند. در این گزارش آمده است که حتی چند نفر از همجنسگرایان در مناطق تحت نفوذ داعش از ساختمانهای بلند به پایین پرتاب شده‌اند. ممکن است برای اعضای

# صدای انسانیت از عراق پسا نظم نوینی



بیرون بکشند و شوراها و حاکمیت خود را برقرار کنند. بنابراین هنوز نتیجه گیری در مورد سرنوشت این تظاهرات زود است. طبعاً گفتن اینها ساده است. اما در عراق امروز هیچ چیز ساده ای وجود ندارد. اما یک چیز روشن است. و آن اینکه تا همینجا این جنبش اعتراضی و انقلابی ای که در عراق شکل گرفته تاثیر عظیمی بر فضای نه فقط عراق بلکه کل منطقه و دنیا داشته است. تا همینجا میتوان گفت که صحنه عوض شده است. فضای امید و انسانگرایی بلرجه زیادی احیا شده است. مردم متوجه میشوند که پایان دادن به این دوره سیاه و تاریک که جنایت و قهقرا به زشت ترین شکل خود توسط دولتهای سرمایه داری به میدان کشیده شد تا بشریت را منکوب و تسلیم کند، کاملاً عملی و ممکن است و ارتجاع سرمایه داری حتی در کشوری مثل عراق نتوانسته است با اینهمه جنایت و توحش صدای پیشرو و انسانی را خاموش سازد. این تا همینجا یکی از دستاوردهای مهم خیزش مردم عراق است.

که این طرح یک برنامه و طرح "جامع" و "کارشناسانه" و (آخرین آن) برای نجات اقتصاد از گرداب فروپاشی بود. با بن بست و شکست طرح یارانه ها امید بهبودی در اقتصاد برای سران و کارشناسان جمهوری اسلامی باقی نماند. همه طرحها را امتحان کرده بودند و این آخرینش بود که قرار بود مدل ریاضت اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را پیاده کنند. در یک کلام حقیقت اساسی اینست که برای هرگونه بهبود اقتصادی باید خود حکومت و ریخت و پاشها و سیاستها و دم و دستگاه فاسدش در هم پیچیده شود. واقعیت هرروز دارد این حقیقت را به وضوح جلوی چشم همه مردم قرار میدهد.\*

بیانگر اینست که حدود دو دهه تلاش و سیاست خونین نظم نوینی فرقه بندی و قوم و مذهب ستایی نتوانسته است مردم را مسخ کند و از انسانیت تهی کند. به همین دلیل معنای عملی این شعار در عراق امروز از یک شعار صرفاً لیبرالی یا سکولاریستی فراتر میروند. این شعار پرچم انقلاب آتی در عراق پسا نظم نوینی است. سرنوشت تظاهرات و اعتراضات موجود در عراق هنوز روشن نیست. این جنبش و حرکتها از رهبری و سازمان و حزب انقلابی برخوردار نیست و به همین دلیل تاووم و پیروزی آن زیر سوال جدی است. روشن است که گردانندگان دولت و باندهای قومی و مذهبی محتاط تر شده اند و روی نیروی مردم ناچارند حساب باز کنند و نگران آینده خویش باشند. اما برای ادامه تظاهرات و پیروزیهای جدی تر پیش شرطهای جدی تری لازم است. شخصیتها و افراد پیشرو در این تظاهرات کم نیستند. اما مردم هم به حزی با سیاست و برنامه و پلانفرم رادیکال و پیشرو و در عین حال توانا و اجتماعی نیاز دارند و هم به سازمان و سلاح و نقشه نیازمندند. مردم اگر بخواهند باندهای مسلح را کاملاً بیرون برانند باید خود سازمان یابند و مسلح شوند و محلات و شهرهای مختلف را یکی یکی از چنگ آنها

طرح یارانه های هوشمند برای جمهوری اسلامی فقط یک شکست اقتصادی نیست. بلکه یک شکست سیاسی هم هست. مردم خشمگین تر و عاصی تر شده اند. زبان مردم بحق روی حکومت درازتر شده است. اعتراضات و مبارزات گسترش یافته است. شکاف درون حکومتی ها افزایش یافته است. این طرح حکومتی ها را در برابر مردم به حالت تدافعی انداخته است. همین مدت چند ماهه صد جور حرف زدند و قول دادند و پس گرفتند. الان هم جرات نمیکند بگویند بالاخره سقف درآمدی برای پرداخت یارانه نقدی چقدر است. از مردم میترسند. حتی اگر بخواهیم فقط از زاویه اقتصادی نگاه کنیم، با شکست طرح یارانه ها فقط عوارض بلافصل این طرح و شکست آن نیست که گریبان حکومت را میگیرد. مساله اینست

شعار در واقع شعار سرنوینی و انقلاب در عراق امروز است. در عراق یک دولت یکپارچه و جدی سرکار نیست. در هر شهر و روستا و نهاد و منطقه ای، یک باند و دسته حکمروایی و یک تازی میکند. عراق زیر چکمه انواع نیروهای مسلح خونخوار و جنایتکار لت و پار شده است. دستجات قوم گرا و اسلامی و تروریست که اکثراً وابسته به دولتهای آمریکا و ترکیه و جمهوری اسلامی و عربستان و شرکا هستند در رقابتی خونین جامعه عراق را به حمام خون تبدیل کرده اند. در این اوضاع فقرا و کشاکش و باندها و دستجات مسلح، برای مردم روشن است که صرف سرنوین کردن دولت عبادی معنای عملی چندانی ندارد. چون دولت عبادی یک دولت پوشالی است. مردم باید علاوه بر عبادی، مقتدا صبر و سیستانی و قاسم سلیمانی و بعضی ها و داعش و دهها باند و دسته دیگر را سرنوین کنند یعنی از مناطق و نهادهای مختلف جارو کنند تا بتوانند مهار اوضاع را بدست بگیرند و از جهنم موجود خلاص شوند. شعار "نه شیعه نه سنی..." یعنی مرگ بر همه اینها! به عبارت دیگر این شعار بطور موجزی هدف و آمال مردم عراق علیه همه این دستجات کثیف و خونخوار را بیان میکند. این شعار

تکائی بدهد. اما هیچکدام از اینها اتفاق نیفتاده است. پرداخت یارانه نقدی قرار بوده است یک راه حل موقت باشد و به تدریج به صفر برسد. الان مانده اند چه کنند. اگر یارانه ها را قطع کنند با شورش مردم مواجه میشوند. اگر قطع نکنند باید از صندوق ذخیره و دزدبهایشان بزنند و خرج مردم کنند. و در عین حال پیه اعتراضات بر سرفرازی گران را به تن بمانند. بانک مرکزی جمهوری اسلامی اخیراً اعلام کرد که طی سال ۹۲ مصرف مردم ۲۰ درصد کاهش یافته است. میتوان تصور کرد که کاهش واقعی مصرف بیش از این بوده است. و این کاهش به معنای چه فجایع و مشقاتی برای خانواده های کارگری و مردم محروم میباشد. خشمی که در جامعه در اثر این فشارها و مشقات جمع شده است قابل تصور نیست.

تظاهرات فریاد زده میشود یا بر پلاکاردها نقش بسته است که هرکدام جایگاه و اهمیت ویژه خود را دارد. از جمله شعار انحلال پارلمان، یا شعار "نان آزادی دولت مدنی" و شعارهای دیگر. اما این شعار کلیدی ترین شعار تظاهرات است. اگر این شعار را بطور مجرد ارزیابی کنیم معنایی فراتر از یک جامعه و سیستم سکولار و لیبرال و سرمایه دارانه معادل برخی جوامع خاکستری موجود بدست نمی آید. کم نیستند افراد و جریانها حاشیه ای که بر همین اساس بر کل حرکت مردم خط بطلان میکشند و نشان میدهند که به دنیای امروز ربطی ندارند. اما در عراق امروز این شعار یک شعار کاملاً انقلابی و مهم است. این شعاری است که عزم مردم شریف و متدین عراق برای پایان دادن به کل دسته بندی ها و رقابتها و جنگها و عقب ماندگی های حاکم در عراق امروز را بیان میکند. تردیدی نیست که مردمی که بلون سلاح و با دست خالی علیه تروریستهای رنگارنگ فریاد میزنند، ریسک و خطرات جدی ای را بجان میخرند. این شعار و کل تظاهرات از این نظر بیانگر عزم و شجاعت و جسارت جدی مردم این کشور برای پایان دادن به جهنم موجود است. اما فراتر از این نفس این شعار در عراق امروز بسیار مهم است. این

## طرح "یارانه هوشمند": هم شکست اقتصادی و هم سیاسی

علا بخش اعظم این سوسیدها قطع شده است و قیمتها از سه سال پیش تا کنون حداقل سه برابر شده است. روشن است که وقتی قیمتها بالا میرود و قدرت خرید مردم به نصف و یک سوم کاهش می یابد پولش به جیب یک مشت سرمایه دار و تاجرو بازاری میروند. این نفع طرح یارانه ها برای طبقه بازاری و سرمایه دار است. اما این برای حکومتی که اقتصادی فلج و زمین گیر شده دارد زمینش میزند، راه حل نمیشود. حکومت قرار بوده است صندوقش را پر کند. قرار بوده است حرکتی در اقتصاد ایجاد کند. قرار بوده است تولید را که به حد توقف نزدیک شده

از صفحه ۱  
تجمعاتی را غیر قابل تصور مینموند، و ثانیا رسانه های متعدد و بویژه رسانه های رسمی تصویری که میدادند این بود که مردم عراق یا به دستجات سنی یا شیعه یا بعضی و یا دیگر ناسیونالیستهای مختلف تعلق دارند و خارج از این دسته بندی های عقب مانده و مغایر انسانیت کس دیگری در عراق وجود ندارد. با اعتراضات و تظاهراتهای میلیونی مردم بغداد و کربلا و دهها شهر دیگر عراق این تصویر شکسته شد. ابعاد تظاهرات بحدی بود که هیچ رسانه جدی ای نمیتوانست آنرا نادیده بگیرد یا بایکوت کند. دنیا این روزها و بعد از سالها فضای نظم نوینی، عراق دیگری را دارد مشاهده میکند. عراق انقلابی، عراقی که فریادش "نه شیعه و نه سنی" است. عراقی که به همه دولتها و دستجات مرتجع نه میگوید و زندگی انسانی و ملدن و آزاد و مرفه را طلب میکند. این عراقی است که به انقلابات مصر و تونس و کشورهای شمال آفریقا هم صدا شده است.

**نه شیعه، نه سنی، حکومت مدنی**  
این یکی از شعارهای کلیدی تظاهرات مردم عراق است. روشن است که شعارهای متعددی در

## طرح "یارانه هوشمند": هم شکست اقتصادی و هم سیاسی

**کاظم نیکخواه**  
حسن روحانی روز چهارشنبه در ملاقات با خامنه ای اظهار داشت که یارانه ها باید بتدریج حذف شود. مطلب زیر بخشی از یک نوشته کاظم نیکخواه است که در انترناسیونال ۵۵۴/دوبیشت ۹۳ منتشر شد و گویای حال امروز جمهوری اسلامی و سیاستهای آن نیز هست.

جمهوری اسلامی با این طرح قرار بوده است کلا سوسید کالاهای اساسی را قطع کند و ریاضت اقتصادی کامل را به مردم تحمیل کند. اکنون با مرحله دوم یارانه ها

# هجوم پناهجویان و سیاست دولتهای اروپایی

## بهروز مهرآبادی

سواحل و مرزهای اروپا شاهد بزرگترین امواج مهاجرت بعد از جنگ جهانی دوم است. اخبار مربوط به سرنوشت درونک میلیونها مهاجر و پناهنده در آن دوران بعد از هفته ها، ماهها و حتی سالها انتشار یافت، اما اکنون هر ساعت و هر روز شاهد تصاویر و گزارش های تکان دهنده از وضعیت میلیونها پناهجویی هستیم که از جنگ، گرسنگی و بدبختی میگریزند و در شرایطی غیر انسانی در جستجوی مکانی برای داشتن يك زندگی امن بزرگترین خطرات را بجان می خزند. نگاهی مختصر به تیرهای اخبار و گزارش های روزهای اخیر ابعاد فاجعه ای که در مقابل چشمان جهانیان در حال اتفاق است، نشان می دهد:

- پلیس اتریش جسد ۷۰ پناهجو را در داخل کامیونی در نزدیکی مرز مجارستان پیدا کرد.  
- صدها پناهجو بر اثر غرق شدن يك قایق در دریای مدیترانه در نزدیکی ساحل لیبی جان باختند.  
- جسد ۵۱ پناهجو در انبار يك قایق حامل مهاجرین توسط يك کشتی امداد رسانی سوئدی در دریای مدیترانه پیدا شد.

- نیروی دریایی ایتالیا جسد ۴۹ مهاجر را در محفظه ای در زیر عرشه يك کشتی پیدا کرد.  
- از ابتدای سال جاری تاکنون بیش از ۲۳۰۰ نفر پناهجو جان در دریای مدیترانه غرق شده اند  
....

مرزهای ترکیه، یونان، مجارستان، اتریش، مقدونیه، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، انگلستان، آلمان هر روزه شاهد هجوم هزاران پناهجو و آواره هستند. نیروهای امنیتی دولتهای اروپایی قدرت جلوگیری پناهجویان را ندارند. صدها میلیون یورو صرف سیمهای خاردار، نارنجک، گاز اشک آور، سگ های محافظ و انواع سیستم های امنیتی مدرن شده است تا دیوار آهنینی که بدور اروپا کشیده شده است، بلند تر و غیرقابل عبورتر سازند. اما با وجود این تعداد

پناهجویانی که توانسته اند از این دیوار بگذرند، نسبت به سال های گذشته بسیار بیشتر شده است. اکثریت پناهجویان از کشورهای سوریه، افغانستان، عراق، ایران و کشورهای مختلف آفریقای هستند. آنها از جنگ، فقر و نکبتی گریخته اند که بر این منطقه از جهان حاکم است. اکثریت آنها فراریان از توحش اسلامی هستند که توسط دولتها و گروههای اسلامی نظیر داعش و بوکوحرام که سرنوشت و زندگی میلیونها نفر مردم را در دست دارند و عقب مانده ترین و ضد انسانی ترین قوانین و مناسبات را در این جوامع

سرنوشت می گریزند، گذشتن از مرزها آسان نیست. هر ساله هزاران نفر از آنها جان خود را بر سر اینکار میگذارند. آنها را "مهاجرین غیرقانونی" می نامند. جرمشان و گناهشان زاده شدن در بخشی دیگری از جهان است و با آنها همانند بزهکاران رفتار میشود. از ابتدائی ترین حقوق انسانی محرومند. و حتی اگر بتوانند خود را به پیشرفته ترین کشورهای اروپایی برسانند، کودکانشان بزرگترین امکان تحصیل پیدا می کنند، از امکانات درمانی بسیار ناچیز برخوردار هستند، حق دخالت در امور اجتماعی را ندارند،

سطح دستمزدها استفاده می کنند. اشک تمساح بعضی از احزاب دولتی برای پناهجویان و دادن اجازه ورود به پناهجویان بعضی از کشورها نظیر سوریه نه فقط بخاطر فشار افکار عمومی و ملاحظات سیاسی بلکه بیشتر بخاطر منافع سرمایه است. سیاست واقعی دولتها و احزاب دولتی را می توان در محدود کردن و کاهش دائمی حقوق و امکانات پناهندگان دید که در چند سال گذشته بطور مداوم به پیش برده میشود. بطور مثال روز گذشته پارلمان دانمارک به کاهش حقوق پناهندگان، کاهش کمک هزینه کودکان و حذف



کمکهای ویژه برای بازنشستگان غیر دانمارکی رای داد. میزان کمک هزینه ای که توسط دولت آلمان و یا سوئد برای گذران زندگی به پناهجویان داده میشود، چندین برابر کمتر از میزان حداقل دستمزد است. این سیاست عملاً بازار کار سیاه و بهره کشی چند برابر از پناهجویان را رونق میدهد.

در حالی که سرمایه داران، روسای حکومتی دیکتاتور و غارتگر، رهبران جنایتکار فرقه های مذهبی و قومی آزادانه به هر کجای دنیا رفت و آمد می کنند و برایشان فرش قرمز پهن میشود. خرید و فروش می کنند و سرمایه های کلان خود را به بانکهای اروپا و آمریکا میسپارند. انبوه زنان، مردان و کودکانی را شاهدیم که در هم فشرده درون قایقهای فرسوده در معرض غرق شدن هستند، کودکان و سالخوردگانی که

مجبور به انجام سنگین ترین کارها با کمترین حقوق هستند، مسئولیت بحران اقتصادی، بیکاری و معضلات اجتماعی به گردن پناهندگان و مهاجران انداخته میشود و بطور مداوم مورد تحقیر و توهین قرار میگیرند.

در حالی که دولتهای اروپایی هر روز شیوه تازه ای برای ممانعت از ورود پناهندگان پیدا می کنند، اما در عین حال نمی توانند از نیروی کار ارزانی که هر روز وارد اروپا میشود رضایت نداشته باشند. رادیو سوئد اعلام کرد که پناهندگان بیش از هزینه خود برای اقتصاد سوئد سود داشته اند. طبیعی است که تمامی این سود نصیب سرمایه داران سوئد شده است که از نیروی کار ارزان مهاجرین بیشترین استفاده را می برند و از آن برای پائین نگاه داشتن

در حال گذشتن از سیم های خاردار هستند، صف طولانی پناهجویانی که در جاده ها و کنار ریلهای قطار هست و نیست خود را در کیسه ای به دوش میکشند و بطور دائم مورد حمله نیروهای پلیس و سربازان هستند. این حکایت دنیای ناام و نکبتی است که سرمایه داری برای بخش بزرگی از جهان بوجود آورده است و طرفداران این نظام از پاسخ دادن به آن عاجزند.

هزاران پناهجویی که به کشورهای اروپایی هجوم آورده اند، نیازمند کمک هستند. باید از این فرصت استفاده کرد. هر انسانی حق دارد از آزار و شکنجه، نابرابری، فقر و جنگ بگریزد و باید مورد حمایت قرار بگیرد. هیچ انسانی به آسانی محل تولد، دوستان و جایی که در آن سالها زندگی کرده است، ترک نمی کند، هر کسی حق دارد محل سکونت خود را انتخاب کند و در آنجا از حقوق برابر شهروندی و یک زندگی و معیشت انسانی برخوردار باشد. پناهندگی و زندگی در محیط امن و داشتن آسایش، بخاطر لطف و مرحمت يك دولت و یا حزب سیاسی نیست بلکه حق طبیعی هر انسانی است که تحت ستم قرار دارد و باید از طرف همه دولتها به رسمیت شناخته شود. مرزها باید برای عبور آزادانه همگان باز شود. باید مصرانه از دولتهای اروپایی خواست و آنها را مورد بازخواست قرار داد تا بجای اینکه به مقابله با پناهجویان برخیزند، دست از حمایت و همکاری با دولتهای

دیکتاتوری بویژه حکومتها و باندهای اسلامی بردارند. باید به مقابله با سیاست های راسیستی دولتها و احزابی برخاست که هجوم پناهجویان به اروپا را فرصتی برای پیشبرد سیاستهای خود پیدا کرده اند. پناهجویان را باید متشکل ساخت و با حقوق انسانی خود آشنا کرد.

دفاع از حق پناهندگی وظیفه هر انسان شریف و هر نهاد آزادبخواه و طرفدار حقوق بشر و یکی از ابتدائی ترین گامها برای ساختن يك دنیای آزاد و برابر است. باید قویتر و مصمم تر در این عرصه ظاهر شد و دنیای سرمایه داری را وادار به قبول این حق کرد.

## هم اکنون جمعه ۲۸ آگوست بغداد

### نه دینی، نه قومی، مدنیت، سکولاریسم

#### عبدل گپریان

هم اکنون جمعه ۲۸ آگوست مردم بغداد و شهرهای اطراف در کاروانهای ده‌ها هزار نفره بسوی میدان تحریر در حرکت هستند. ساعت ۱۲ ظهر بوقت محلی میدان تحریر بغداد مملو از جمعیت میلیونی تظاهر کننده علیه دولت عبادی و همپیمانان دینی آن در حکومت خواهد شد. تخمین زده میشود که تظاهرات

جمعه ۲۸ آگوست بمراتب گسترده تر و عظیم تر از تظاهرات و تجمعات تاکنونی در بغداد خواهد بود. جریان دینی مقتدا ضد اعلام کرده است که در تجمع اعتراضی جمعه ۲۸ آگوست شرکت خواهد کرد. اما از روز پنجشنبه ۲۷ آگوست فعالین حرکتی اعتراضی و مردم شهرهای عراق نیز شعارها و پلاکاردهایی علیه جریان مقتدا صدر و دیگر جریان‌های شیعه و سنی آمده

کرده اند تا ماهیت تجار دین را در این حرکت عظیم اعتراضی بیش از پیش برملا، ترد و رسوا کنند. جنبش عظیم میلیونی مردم معترض، مبارز، سکولار و مدرن شهرهای عراق اجازه نخواهد داد، صدر، سیستانی و حکیم که همپیمان با مالکی و عبادی و بقیه دارو دسته ها و باندهای قومی و دینی زندگیشان را به تباهی کشانیدند از فرصت استفاده کرده و جامعه عراق

را همچنان به قهقرا ببرند.

#### حکومت قومی دینی در عراق را باید تا ته دره هل داد

نخست وزیر عراق حیدر عبادی در وحشت از جنبش میلیونی مردم عراق و تحت تاثیر قدرت این جنبش به دست و پا افتاده است. عبادی با شنیدن خبر تظاهرات روز جمعه ۲۸ آگوست در بغداد و برای فرونشاندن خشم اعتراضی مردم اعلام کرد که: "مسئله زمین خواری توسط سودجویان را در دستور قرار خواهد داد و منطقه سبز برای حضور مردم باید از ممنوعیت خارج شود. ( منطقه سبز در بغداد به مکانی امنیتی در محدوده ده کیلومتر گفته میشود که پارلمان عراق، سفارت

آمریکا و دیگر نهادهای مهم حکومت بغداد در آن واقع شده که تا کنون عبور از این محدوده برای مردم ممنوع بوده است. ) پیشتر مردم بغداد در تظاهرات سه هفته پیش خود شعار داده بودند که "اینجا منطقه سبز نیست بلکه منطقه سیاه است".

پتانسیل جنبش عظیم و سکولار مردم عراق این قابلیت را بخوبی دارا است که تمامی دارودسته‌های قومی و دینی حاکم را تا ته دره هل داده و آنان را از صحنه سیاسی عراق جaro کند.

زنده باد جنبش مدنی مردم عراق برای رسیدن به آزادی، رفاه و کرامت انسانی

## مراسم یادمان جانباختگان

### در ونکوور کانادا

برای گرامیداشت یاد و خاطره جانباختگان راه آزادی و محکومیت سی و هفت سال اعدام و کشتار زندانیان سیاسی بویژه در دهه هولناک شصت توسط رژیم اسلامی و همچنین در اعتراض به موج فزاینده اعدام های اخیر و برای آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی، مراسمی شامل: سخنرانی، شعر خوانی، نمایش و موسیقی در نورث ونکوور برگزار می شود

سخنران میهمان: شیوا محبوبی، زندانی سیاسی سابق و سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران  
زمان: شنبه ۲۹ آگوست از ساعت ۵ تا ۱۰ عصر  
مکان:

3590 Mountain H-W  
Corner of Frederick RD  
Lynn Valley Rec Centre Cardinal Hall  
North Vancouver  
<http://bit.ly/1U8v9us>

ورود برای عموم آزاد و رایگان میباشد.  
لطفا با آوردن عکس های جانباختگان و شاخه گلی در تجلیل از مقاومت آن عزیزان، در این مراسم مشارکت کنید.  
جهت اطلاعات با تلفن زیر تماس بگیرید:  
604 727-8986

کمیته برگزاری یادمان جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم در ونکوور

### انترناسیونال

#### نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

همکاران: سیامک بهاری، نسان نودینیان

ای میل: [anternasional@yahoo.com](mailto:anternasional@yahoo.com)

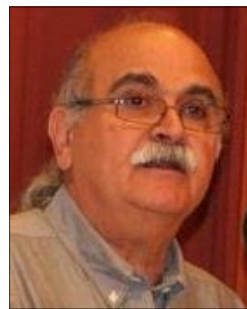
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

## یونان: "بهترین روزها" در گرو چیست؟

### حمید تقوایی

سیپراس نخست وزیر یونان که پنجشنبه گذشته استعفا داد در آخرین نطق تلویزیونی‌ش مصرع شعری از ناظم حکمت شاعر سرشناس ترکیه نقل کرد با این مضمون که "زیباترین روزهایمان را هنوز زندگی نکرده ایم!" این در مورد مردم یونان کاملاً صدق میکند اما خود آقای سیپراس به احتمال زیاد بهترین روزهایش را پشت سر گذاشته است. او شش ماه قبل بر شانه جنبش ضد ریاضتی کارگران و توده مردم یونان و با شعار پایان دادن به ریاضت کشی اقتصادی به نخست وزیری رسید و حدود شش هفته قبل در یک همه پرسی یکبار دیگر رای منفی مردم به سیاستهای تحمیلی ترویکا را بدست آورد، اما متعاقب آن تحت فشار ترویکا به بسته اقتصادی تماماً ریاضتکشانه ای که حتی صندوق بین المللی پول آنرا افراطی خواند رضایت داد و با این کار با مخالفت یک سوم نمایندگان سیریزا در پارلمان و "شورش" بخش چپ سیریزا، که اکنون حزب "اتحاد مردمی" را تاسیس کرده اند، روبرو شد.

بسیاری از تحلیلگران و خود سیپراس اعلام کردند که آلترناتیو دیگری نیست و دولت ناگزیر شده است به سیاستهای مالی ترویکا تن بدهد. اما آلترناتیو وجود داشت و



هنوز وجود دارد، آنچه غایب است اراده سیاسی است: عزم و اراده سیاسی برای نمایندگی کردن توده مردم یونان در مقابله با ترویکا و بخصوص سازماندهی و بمیدان آوردن کارگران و توده مردم در جهت تعمیق این تقابل و فراتر رفتن از آن به چالش کل کاپیتالیسم و حکومت یک درصیها. سیپراس نشان داد که اهل این میدان نیست اما آیا فرد و نیروی سیاسی دیگری قدم در این راه خواهد گذاشت؟

قرارت حدود یک ماه دیگر انتخابات مجدد در یونان انجام شود و سیپراس امیدوارست با تحکیم موقعیت خود در سیریزا و در پارلمان مجدداً به نخست وزیری انتخاب بشود. اما دوره سیپراس به سر رسیده است. بهترین روزهای یونان در گرو تحکیم موقعیت و جلو رانده شدن چپ رادیکالی است که این بار با شعار "مردم یونان به کسی بدهکار

